



وصیت به مشتقات متاورس از منظر فقه مقارنه

پدیدآورنده (ها) : بهبودی تولون، میرمهدی؛ کاظم زاده بنه، علی

میان رشته ای :: همایش کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی :: مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی (ملی)

صفحات : از ۱۶۳ تا ۱۷۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2139640>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تحلیل و بررسی احکام مربوط به زنان از منظر فقه شیعه
- ارزیابی مفهوم و کارکرد نظم عمومی به مثابه ی قاعده ی آمره ی بین الملل از منظر فقه امامیه
- مالکیت در حصار کاربری «نگاهی به تعیین کاربری از منظر فقه و حقوق»
- حدود اختیارات دستگاه های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه
- مشروعیت رسیدگی به جرایم زیست محیطی ناشی از آلودگی مواد نفتی توسط محاکم کیفری بین المللی از منظر فقه اسلامی
- لزوم بررسی رشد یافتگی مسئولان نظام اسلامی با توجه به بررسی دقیق مفاهیم بلوغ و رشد از منظر فقه شیعی
- تجسس و ورود به حریم خصوصی کارکنان نیروهای مسلح از منظر فقه و حقوق
- وصیت تملیکی و ماترک متوفی مدیون از منظر فقه و حقوق
- بررسی حکم جواز نظر به زنان بادیه نشین و تعمیم آن به زنان بد حجاب امروزی، از منظر فقه معاصر
- الزام مادر به رعایت سلامت جنین از منظر فقه امامیه



وصیت به مشتقات متاورس از منظر فقه مقارنه

میرمهدی بهبودی تولون

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی،

دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، ایران

Mehdi_tolon@yahoo.com

علی کاظم زاده بنه

دانشجوی کارشناسی حقوق

دانشگاه پیام نور، واحد گرمی، ایران

Ali.kazemzadeh.beneh@gmail.com

چکیده

علم نوین، پیشگام طرح ایده های خلاق بوده است. زندگی انسان با پیشرفت تکنولوژی، از عرصه سنتی به ورطه الکترونیک و دنیای مجازی گام نهاده و در این راستا، مورد تغییر و تحول قرار گرفته است. متاورس و مشتقات آن، از جمله مصادیق این امر برشمرده می شوند. از آنجا که در جهان پسامدرن، مسائل مستحدثه ای همچون پدیده متاورس و مشتقات آن دارای بار حقوقی بوده و نیز، تعیین کننده چگونگی ارتباط فردی و اجتماعی افراد به لحاظ حقوقی و اقتصادی است، پردازش جوانب این پدیده نوظهور، به لحاظ فقهی و حقوقی لازم و ضروری می نماید. وصیت - که یکی از موضوعات مطروح در فقه امامیه و نیز فقه اهل تسنن است، از این امر مستثنی نیست. بنابراین، کنکاش پیرامون وصیت به متاورس را می توان از جمله موارد دارای اهمیت در این عرصه دانست. این مقاله می کوشد تا به پدیده یاد شده از منظر فقه مقارنه بپردازد. با توجه به تحلیل ها و داده های بدست آمده به طریق اسنادی - کتابخانه ای حول محور مطروح، نتاج امر، صحت وصیت بر مشتقات متاورس به عنوان پدیده ای دارای مالیت، تملیک و تملک است. با این وصف، وصیت بر آن از منظر فقه مقارنه بلا اشکال خواهد بود.

واژگان کلیدی: متاورس، مشتقات متاورس، وصیت بر متاورس، فراجهان، فقه مقارنه

مقدمه

پیشرفت علم و تکنولوژی در جهان امروزی، ماهیت خاصی به خود گرفته است. بروز علم نوین در قالب پدیده های الکترونیکی و دیجیتال و گسترش فضای مجازی و اینترنت منجر به پدیداری جهان های مجازی در مجاورت و کنه جهان حقیقی گردیده است. متاورس، نمونه بارزی از این پیشرفت پسامدرن تلقی می گردد. جهان متاورس یا فراجهان، ابتدا در تئوری بازی های رایانه ای پا به عرصه وجود گزارد اما، پس از اندک زمانی مورد استقبال بشر قرار گرفت و به عنوان پدیده ای نوین به عرصه تجارت، حق و حقوق مالی تبدیل شد. با این وصف، بی شک نمود متاورس در عرصه زندگی بشر، بیش از پیش نمایان خواهد شد. رویکرد انسان به پدیده متاورس، از سرگرمی صرف به جهانی با قابلیت کسب درآمد تبدیل گردید و این گونه، فضای مجازی متاورس به فضایی حقیقی اما موازی با جهان ماده، به گونه ای واقعی با عنوان فراجهان شکل وجودی به خود گرفته است. این امر، گویای بروز اتفاقات مشابه آنچه در عرصه زندگی انسان در بُعد حقیقی و جسمانی پدیدار می گردد خواهد بود. حال که متاورس از مالیت برخوردار گردیده است، آثار حقوقی روابط اشخاص در فضای حقیقی بر آن مترتب خواهد شد. اقتضای این امر، بررسی حقوقی و فقهی این پدیده نوظهور است. از آنجا که حقوق ایران بر اساس فقه امامیه مطرح است و از سوی دیگر، حقوق موضوعه کشورهای اسلامی اهل تسنن نیز بر اساس فقه اربعه اهل سنت متصور است، پردازش فقهی به گونه مقارنه لازم و ضروری خواهد بود. یکی از مسائل مطرح در فقه و به تبع آن حقوق موضوعه کشورهای مسلمان، وصیت و موارد مرتبط با آن است. بدین منظور، در این مقال که در جایگاه کنکاش قرار دارد به موضوع وصیت بر مشتقات متاورس پرداخته خواهد شد. این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر سیره اسنادی - کتابخانه مدون گشته است، درصدد آن است که ابتدا به موضوع متاورس، سپس به مشتقات آن و نهایتاً به ماهیت وصیت بر مشتقات متاورس از منظر فقه مقارنه بپردازد و صحت یا عدم صحت آن را مورد بررسی قرار دهد. فرض بر این است که وصیت بر متاورس و مشتقات آن، خالی از اشکال بوده و این پدیده همچون حق مالی قابل انتقال، متصور است.

۱- متاورس و مشتقات آن

بازی های رایانه ای در سه دهه اخیر به اجتماع بشری پیوست. ابتدای امر، با بهره وری از تکنولوژی رایانه و برنامه نویسی بر اساس صفر و یک، تولید محتوای بازی های مجازی گام به عرصه هستی گذارد هدف. اولیه این ابداع، سرگرمی، گذران اوقات فراغت و در کنار آن، اشتغال زایی و کسب درآمد از تولیدات آن بود. این عرصه دیجیتالی و سرگرمی های مجازی با پیشرفت علم، از صرف هدف ابتدایی خویش فراتر رفت و ایده ای برای تشکیل آنچه امروز از آن با نام متاورس^۱ یاد می شود، شد. متاورس یا فرا جهان، در حقیقت دنیای مجازی همسان با دنیای حقیقی است که به واسطه مشتقاتش ترسیم می شود. (Zagaio, 2012 ; 31) در واقع، مشتقات متاورس انواع نرم افزار های دیجیتالی اند که فارغ از سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت، قابلیت سرمایه گذاری به صورت خرید املاک، تجهیزات و وسایل نقلیه و... در آنها فراهم است و افراد عضو این مجموعه، در ازای پرداخت ارز های دیجیتالی مالک بخشی از دارایی موجود در این نرم افزار های دیجیتالی می گردند. نرم افزار آپلند^۲ را می توان نمونه ای در این عرصه برشمرد. با این وصف، افراد در سراسر جهان می توانند با استفاده از شبکه اینترنت و نصب نرم افزار های مختلف (که مشتقات متاورس محسوب می گردند) مانند نرم افزار آپلند، وارد این محیط شده و علاوه بر

^۱. Metaverse

^۲. Upland

پرداختن به سرگرمی های متنوع آن، با واريز وجوه در قالب ارزهای دیجیتالی، نسبت به خرید زمین، مغازه، منزل مسکونی و... و نیز، ارائه خدمات به دیگر افراد عضو در ازای دریافت وجه دیجیتالی (همانند محیط واقعی و دنیای حقیقی) اقدام نمایند؛ بدین صورت، افراد عضو، مالکیت دائم و مستمر دارایی های خویش را کسب می نمایند. به بیان دیگر، فردی که در محیط یکی از مشتقات متاورس اقدام به خرید ملک نموده است، مالک بلامنازع دارایی خویش خواهد بود. این دارایی، به دلیل گسترش روز افزون طرفداران محیط های متاورسی، تزايد قیمتی خواهد داشت. از این روی، منبعی جهت کسب درآمد در عرصه جهانی شناخته شده است.

۲- وصیت در حقوق موضوعه و فقه مقارنه

قانون مدنی ایران بر اساس فقه امامیه، وصیت را بر دو قسم تملیکی و عهدی منقسم نموده و در ماده ۸۲۵ بدان تصریح کرده است. ماده ۸۲۶ قانون یاد شده اشعار می دارد؛ «وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند». برخی از فقهای امامیه به عین معین بودن موصی به، تاکید نموده اند (المحقق الحلی، ۱۴۲۸ ق؛ ۵۵۱) و برخی علاوه بر عین معین به واژه «مال» و «مالیت داشتن» مورد وصیت اشاره داشته اند (الموسوی الخمینی، ۱۴۳۰ ق؛ ۸۶). هرچند برخی از حقوقدانان به استناد ماده ۸۴۶ قانون مدنی، انواع حق انتفاع و حبس را - فارغ از اجاره - از جمله منافع می دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۷؛ ۱۱۲) اما، ماهیت مال مکتسب از مشتقات متاورس، انتفاع منافع نیست. بلکه، نوعی دارایی است که مالیات دارد و قابل خرید و فروش است. بنابراین، در حیطه «اموال» مورد توجه قرار می گیرد. برخی از فقها و وصیت را تملیک عین یا منفعت پس از فوت تعریف کردند (محقق کرکی، ۱۴۱۱ ق؛ ۷۷) که این امر با کمی تفاوت در مذاهب اربعه اهل سنت نیز مورد قبول و تصریح قرار گرفته است (مسجدسرای، ۱۳۹۸؛ ۱۰). همچنین، فقهای امامیه و فقهای عامه در مالیت داشتن مورد وصیت (موصی به) اتفاق نظر دارند؛ همانگونه که وصیت بر منافع مال یا عین معین را نیز صحیح می دانند (المغنیه، ۱۴۳۵ ق؛ ۴۸۳). بنابراین، از اجتماع تعاریف موصوف بر می آید که وصیت تملیکی عبارت است از؛ تملیک آنچه که مالیات دارد به موصی له، پس از فوت موصی. با این حال، از آنجا که در جهان امروز با پیشرفت تکنولوژی و علم نوین، گستره داد و ستد و تجارت و نیز، به تبع آنها پدیداری پدیده های متقارن با اموال عینی و حسی وسعت یافته است، تعریف مال و مالیات نیز دستخوش تحول و تبدل گردیده است. متاورس و مشتقات آن - که امروزه از صفت حقیقی مالیت داشتن برخوردارند - بنا به تعریفی که به اتفاق نظر فقهای امامیه و عامه ارائه شد، قابلیت وصیت کردن بدان و قرار گرفتن بر جایگاه موصی به را دارا خواهند بود. از آنجا که ماهیت وصیت، تملیک عین یا مال یا منفعت در زمان پس از فوت است، قابلیت تملیک و تملک موصی به، حائز اهمیت خواهد بود. با این اوصاف، بررسی صفت «مالیت» در حقوق موضوعه و فقه امامیه به انضمام فقه اهل تسنن خالی از وجه نیست.

۳- مالیت داشتن موصی به

آنچه در وصیت از باب موصی به، مورد مذاقه است، وجود، تعیین، مالیات داشتن و قابلیت انتقال آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۷؛ ۸۸). این امور، برگرفته از فقه امامیه بوده و در کتب فقهی مبسوطاً مورد بحث قرار گرفته است. از سوی دیگر، وصیت بر چیزی که فایده و منفعت عقلایی دارد، علاوه بر عین معین یا منفعت، مورد تاکید و رای فقهای امامیه است (الطباطبایی الیزدی، ۱۴۲۲ ق؛ ۷۷۳). بیان این مطلب، گویای آن است که موصی به، به صرف دارا بودن منفعت عقلایی (یا مالیات داشتن) می تواند مصداق و موضوع وصیت قرار گیرد و چنین وصیتی از حیث موصی به بودن، بلا اشکال است. فقهای حنفی در تعریف وصیت گفته اند؛ وصیت «تملیک مجانی که به زمان پس از فوت مربوط می شود» است (مسجدسرای، ۱۳۹۸؛ ۱۰). این تعریف، علاوه

بر قید «مجانی بودن»، بر «قابل تملیک بودن» موصی به، اشاره دارد. ابوزهره در کتاب الاحوال الشخصیه، باب الوصیه، اذعان می دارد که وصیت به مجهول یا به سهم یا به چیزی کم و اندک صحیح است (المغنیه، ۱۴۳۵ ق، ۴۸۴). همچنین، به اتفاق فقهای امامیه و عامه، موصی به باید مال قابل تقویم بوده و قابلیت توارث و صلاحیت تعاقد، در او وجود داشته باشد (مسجدسرای، ۱۳۹۸؛ ۴۶). با این اوصاف، آنچه در خصوص موصی به حائز اهمیت است، وجود داشتن، قابل تعیین بودن، مالیت داشتن و قابلیت تملیک و تملک داشتن است؛ مضاف بر اینکه وصیت بر هر آنچه که منفعت عقلایی داشته باشد نیز صحیح خواهد بود. تقیید منفعت عقلایی، راهگشای بسیاری از مسائل مستحدثه امروزی است که با تغییرات سبک زندگی و نیز پیشرفت علوم به لحاظ ماهیت و عین معین سنتی، متفاوت اند. به بیان دیگر، آنچه که امروزه در عرصه تکنولوژی دارای منفعت عقلایی است و به تبع آن از مالیت برخوردار است، چنانچه حتی عین معین، معادل جسم دارای ابعاد و وزن نباشد در حیطه موصی قرار می گیرد. با این وصف، آنچه از مشتقات متاورس مانند اراضی، املاک یا خدمات و حقوق مالی مربوط به آن عاید می شود، مصداق مال قابل انتقال و هر آنچه که دارای منفعت عقلایی است، قرار می گیرد. بنابراین، مستنبط از فقه امامیه و نیز آراء فقهای اهل تسنن همچنین، بر اساس قانون مدنی ایران در باب وصیت و شرایط صحت آن از حیث موصی به، وصیت کردن به عایدات و مایملک متاورس خالی از اشکال است.

۴- شرایط موصی، وصی و موصی له

ماده ۸۲۶ قانون مدنی ایران اشعار می دارد؛ «... وصیت کننده، موصی، کسی که وصیت تملیکی به نفع او شده است موصی له، مورد وصیت موصی به، و کسی که به موجب وصیت عهدی، ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می شود وصی نامیده می شود». با توجه به تعاریف ارائه شده نسبت به موارد مذکور در ماده، حاکی از وجود شرایطی خاص بر مشار الیهم دارد که چنانچه شرایط یاد شده محقق نگردد، در ارکان و صحت وصیت خلل ایجاد می شود. مذاقه امر در این حیطه بدان سبب است که جهان متاورس محل شرکت و فعالیت افراد مختلف بوده و به سبب قانونی و فقهی ملاحظه اهلیت یا عدم اهلیت هر یک در خصوص وصیت بر مشتقات متاورس می تواند در عدم نفوذ وصیت مورد توجه قرار گیرد. فارغ از مسئله اهلیت، شرایط دیگری نیز در اوصاف موصی، وصی و موصی له متصور است که بسط آن در این مقال مواجهه با تعذر خواهد بود. بنابراین، به مقتضای حال در مقال کنونی از منظر فقه مقارنه، به شرایط هر یک اشاره خواهیم کرد.

۴-۱- شرایط موصی

طبق نظر فقهای امامیه، موصی می بایست بالغ، عاقل و رشید بوده و در وصیت خویش دارای اختیار باشد (الموسوی الخمینی، ۱۴۳۰ ق؛ ۸۴). به بیان دیگر، در صحت وصیت، کمال موصی شرط است. همچنین، غیر محجور بودن وصی، از شرایط نافذ بودن وصیت بر شمرده شده است. علمای مالکی، حنبلی و شافعی در خصوص بالغ بودن موصی اذعان داشته اند؛ «کسی که ده سال تمام داشته باشد جایز است وصیت کند. زیرا، خلیفه دوم آن را جایز دانسته است». در مقابل، فقهای حنفی معتقدند؛ «وصیت صبی ممیز، جایز نیست مگر آنکه به تجهیز و دفن خود وصیت نماید» (مسجدسرای، ۱۳۹۸؛ ۲۵). همچنین، فقهای امامیه، وصیت سفیه را بر اموال خویش جایز نمی دانند اما، فقهای حنفی، شافعی و مالکی وصیت سفیه را جایز دانسته اند و علمای حنبلی می گویند؛ «سفیه می تواند به مال خود وصیت کند اما نمی تواند به ولایت بر فرزندان و وصایت کند پس اگر برای ولایت بر آنان وصی تعیین کند، به وصیت وی عمل نمی شود» (همان، ۳۱). با این وصف، بر فرض اینکه شخص نابالغ بر مشتقات متاورس وصیت نماید، از منظر فقهای امامیه وصیت وی باطل و به لحاظ نظر فقهای اهل تسنن - چنانچه ده سال داشته باشد - وصیتش بلا اشکال است.



۴-۲- شرایط وصی

فقه‌های امامیه در شرایط وصی مواردی را ذکر کرده‌اند. برخی از این شرایط مورد اتفاق فقها و برخی دیگر، مورد مناقشه قرار گرفته است. بلوغ، عقل و اسلام از جمله موارد اتفاقی و عدالت و حریت از جمله موارد اختلافی است. شهید اول، لزوم وجود عدالت در وصی را قول قوی می‌داند و بر آن تأکید کرده است (شهید ثانی، ۱۴۲۹ ق؛ ۳۴۸). در مقابل، برخی دیگر از علمای امامیه تنها بر تکلیف و اسلام تأکید کرده‌اند و اعتبار عدالت را مردود دانسته‌اند (المحقق الحلی، ۱۴۱۶ ق؛ ۲۶۵). فقه‌های اهل سنت نیز بلوغ، عقل و اسلام را شرط وصی در صحت وصایت ذکر کردند (مسجد سراجی، ۱۳۹۸؛ ۷۶). ماده ۸۵۶ قانون مدنی ایران نیز، اشعار می‌دارد: «صغیر را می‌توان به اتفاق یک نفر کبیر، وصی قرار داد. در این صورت، اجرا وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر». با این وصف، چنانچه موصی در خصوص ثلث اموال خویش که مربوط به مشتقات متاورس است بر وصی وصیت نماید، به لحاظ فقه امامیه و قول مشهور، عقل و اسلام شرط صحت خواهد بود. این نظر، مطابق رای فقه‌های اهل تسنن نیز هست.

۴-۳- شرایط موصی له

طبق ماده ۸۵۰ قانون مدنی ایران که برگرفته از قول مشهور فقه‌های امامیه است، موصی له، باید موجود باشد و بتواند مالک مالی شود که برایش وصیت شده است. همچنین، طبق نظر فقه‌های امامی، وصیت بر حمل صحیح است. اما شرط صحت آن، زنده متولد شدن حمل است (المحقق الحلی، ۱۴۱۶ ق؛ ۲۶۴). علمای اهل تسنن نیز، در موجود بودن موصی له و نیز اینکه می‌توان به حمل وصیت نمود با فقه‌های امامیه هم رای‌اند. اما، در اینکه موجود بودن هنگام وصیت شرط است یا هنگام فوت اختلاف نظر وجود دارد. فقه‌های امامیه، حنفیه، حنابله و شافعی، موجود بودن در زمان وصیت و علم به آن را شرط می‌دانند اما، فقه‌های مالکی وصایت به معدوم را نیز صحیح دانسته‌اند (المغنیه، ۱۴۳۵ ق؛ ۴۸۱). با این وجود، چنانچه مشتقات متاورس، مورد وصیت قرار گیرد طبق نظر فقه‌های امامیه، حنفیه، حنابله و شافعی، موجود بودن موصی له شرط صحت وصیت خواهد بود. اما وفق نظر فقه‌های شافعی و تعدادی از فقیهان امامیه - مانند شیخ احمد کاشف الغطاء - وصیت بر معلوم نیز جایز است. بنابراین، موجود بودن موصی له در وصیت به مشتقات متاورس لازم نخواهد بود.



نتیجه‌گیری

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش علوم نوین، بازی‌های رایانه‌ای پا به عرصه وجود گذارند. دنیای مجازی با گسترش اینترنت و فراگیری آن، به گونه‌ای خاص با دنیای حقیقی بشر پیوند خورد؛ پدیده متاورس، به عنوان جهان مجازی و موازی با جهان حقیقی از نمونه‌های بارز این پیشرفت است. نرم افزارهایی مانند نرم افزار آپلند که ابتدا با هدف بازی، سرگرمی و تجارت به واسطه طراحی نرم افزاری، روانه دنیای انسانها شد، امروزه به عنوان یکی از مشتقات متاورس، جولانگاه کسب درآمد و تزاید اموال ساکنان کره خاکی مطرح است. افراد، از اقصی نقاط جهان با عضویت در مجموعه متاورس اقدام به خرید و فروش املاک و ارائه خدمات می نمایند. بنابراین، به گونه‌ای حقیقی می‌توان متاورس و مشتقات آن را در دسته اموال جایی داد. به عبارت دیگر، املاک خریداری شده در محیط متاورس و خدماتی که توسط افراد در این مجموعه ارائه می شود دارای وصف مالیت بوده و منفعت عقلایی بر آن متصور است. وصیت، از جمله موضوعاتی است که در فقه امامیه و اهل تسنن میسوطاً بدان پرداخته شده است. با بررسی ماهیت وصیت از منظر فقه مقارنه و حقوق ایران و تطبیق آن با اموال تحصیل شده در محیط متاورس، صحت وصیت بر این اموال حاصل می گردد. چرا که شرط اصلی صحت وصیت از حیث موصی به، مالیت داشتن و دارای منفعت عقلانی بودن است. همچنین، به لحاظ شرایط موصی، بالغ بودن از منظر فقهای امامیه و سن بالای ۱۰ سال از منظر فقهای اهل تسنن مورد توجه است. از شرایط وصی، اتفاقاً، بلوغ، عقل و اسلام شرط صحت قرار گرفته است؛ هرچند برخی نیز عدالت را شرط دانسته اند. از شرایط موصی له، موجود بودن، شرط صحت وصیت است. اما، برخی از فقهای امامیه همچون شیخ احمد کاشف الغطاء، وصیت بر معدوم را نیز صحیح می دانند. بنابراین، فرضیه مطروح در ابتدای امر بدین سان اثبات می گردد. با این وصف، وصیت بر مشتقات متاورس منوط به رعایت موارد و شرایطی که در شرح موصی، وصی و موصی له ذکر شد، بلاشکال و خالی از ایراد خواهد بود.



منابع

فارسی

- ۱ - قانون مدنی
- ۲ - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۷)، «حقوق مدنی؛ درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث»، چاپ بیست و نهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۳ - مسجد سرائی، حمید، (۱۳۹۸)، «فقه تطبیقی؛ وصیت - ارث»، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

عربی

- ۴ - شهید ثانی (العالمی)، زین الدین، (۱۴۲۹ ق)، «الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه»، الجزء الثاني، الطبعة التاسعة، قم، منشورات دارالتفسیر.
- ۵ - الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۲ ق)، «العروه الوثقی»، الجزء الثاني، الطبعة الاولى، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار.
- ۶ - المحقق الحلی، نجم الدین جعفر بن الحسن الهذلی، (۱۴۲۸ ق)، «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، القسم الاول و الثاني، الطبعة الاولى، قم منشورات رشید.
- ۷ - «المختصر النافع»، الطبعة الثاني، طهران، موسسه البعثة.
- ۸ - محقق کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، (۱۴۱۱ ق)، «الجامع المقاصد فی شرح القواعد»، المجلد الثاني عشر، الطبعة الاولى، قم، موسسه البيت لاحياء التراث.
- ۹ - المغنیه، محمد جواد، (۱۴۳۵ ق)، «الفقه علی المذهب الخمسه»، الطبعة الاولى، قم، دار الغدير.
- ۱۰ - الموسوی الخمينی، سید روح الله، (۱۴۳۰ ق)، «تحریر الوسیله»، الجزء الثاني، الطبعة السابعة، قم، موسسه النشر الاسلامی.

انگلیسی

- 11 - Zagaio, Neison, (2012), «Virtual worlds and metaverse platforms», published in the united states of America by information science.
- 12 - Upland, (2019), «WHITE LLAMA PAPER».



Bequest to derivatives of the Metaverse from the viewpoint of comparative jurisprudence

Mir Mehdi Behboodi Tolon

Jurisprudence and principles of Islamic law MA student,
Payam Noor University, South Tehran Branch, Iran
Mehdi_tolon@yahoo.com

Ali Kazemzadeh Beneh

Law undergraduate student
Payam Noor University, Germe Branch, Iran
Ali.kazemzadeh.beneh@gmail.com

8

170

Abstract

Modern science has been the pioneer of innovative ideas. The progress of technology has led human life to advance from the traditional realm toward the abyss of electronics and the virtual world, and in this respect, it has been subject to change. Metaverse and its derivatives are evidence to this. Considering the fact that in the postmodern world, present-day matters including the phenomenon of Metaverse and its derivatives include a legal burden and determine individual society's legal and economic relations, processing the aspects of this imminent phenomenon are necessary both in jurisprudence and legal aspects. The bequest, which is one of the issues raised in Imami and Sunni jurisprudence, is no exception. Accordingly, the study of the bequest to Metaverse can be counted as one of the significant matters in this regard. This article attempts to deal with this phenomenon from the viewpoint of comparative jurisprudence. Based on the analysis and data of the proposed point obtained through documentary-library method, the results indicate the validity of the bequest on the derivatives of Metaverse as a phenomenon with taxation, acquisition, and possession. Based on this, a bequest on Metaverse is unobjectionable from the point of view of comparative jurisprudence.

Keywords: Metavars, derivatives of Metavars, bequest to Metavars, transcendental, comparative jurisprudence